

چارچوبی برای بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور (صفحات ۱۳۳ تا ۱۵۱)

نوع مقاله: پژوهشی

DOR:20.1001.1.17358663.1400.16.46.6.4

رضا غلامی^۱ *

پذیرش: ۹۹/۱۱/۰۳

دریافت: ۹۹/۰۸/۰۳

چکیده

انقلاب اسلامی یک انقلاب ذاتاً فرهنگی است و هرگونه تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در گرو پیشرفت‌های عظیم فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی می‌باشد. باوجود تلاش‌های فراوانی که طی ۴۲ سال گذشته برای اعتلای فرهنگ اسلامی- ایرانی صورت گرفته و توفیقات غیرقابل‌انکاری که انقلاب در این عرصه داشته است، در حال حاضر شرایط فرهنگی کشور با نقاط مطلوب فاصله چشم‌گیری دارد و بخش مهمی از این فاصله ناشی از ناکارآمدی نظام فرهنگی می‌باشد، به طوری که در شرایط کنونی، بحث تحول اساسی در ساختار فرهنگی کشور به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل گردیده است. از آنجاکه به تازگی مبحث جدید و سرنوشت‌سازی از ناحیه رهبر انقلاب با عنوان «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور» مطرح گردیده است، این مقاله، با در نظر گرفتن یک مسأله کلیدی در باب چگونگی چارچوب دهی به طراحی‌های مرتبط به بازسازی و از همه مهم‌تر، ایجاد ضمانت‌های لازم برای کارآمدی طرح‌های قابل‌تولید در این زمینه، موضوع بازسازی را از جهت ماهیت، مفروضات، رویکردها، لایه‌ها، مبانی، اهداف، غایات، مراحل و الزامات مورد بحث قرار داده است. علاوه بر این در این مقاله، نقطه کانونی بازسازی نیز معرفی گردیده و اولویت‌های عرصه‌ای و موضوعی بازسازی نیز تبیین شده است. از آنجاکه هدف این مقاله، بسترسازی برای مطالعات و طراحی‌های گوناگون در عرصه بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور است، ماحصل مقاله می‌تواند کمک قابل‌توجهی به ریل‌گذاری در این عرصه نماید. درنهایت، جمع‌بندی این مقاله، بیشتر ناظر بر تفکیک وظایف دولت از بخش مردمی و واسپاری بخش مهمی از ستاد و صف نظام فرهنگی به مردم و تشکل‌های مردمی انقلابی به‌مثابه نقطه کانونی بازسازی می‌باشد.

واژگان کلیدی: بازسازی، فرهنگ اسلامی، نظریه فرهنگ، نظام فرهنگی و گفتمان انقلاب اسلامی.

farhadmahtab@yahoo.com

۱. استادیار علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱- بیان مسئله

وجه اشتراک اکثر مطالعات انجام شده در حوزه انقلاب اسلامی به علاوه تأکیدات رهبران و متفکران انقلاب، همگی گویای این واقعیت است که انقلاب اسلامی در درجه اول، یک انقلاب فرهنگی انسانی و اسلامی است. (امام خمینی، ۱۳۵۷) این واقعیت نشان می‌دهد، هرگونه ارزیابی از انقلاب اسلامی، مستلزم بررسی تحولات فرهنگی در طول دهه‌های گذشته و درجه‌ی توفیق نظام جمهوری اسلامی در ساحت فرهنگ می‌باشد. چه مشاهدات میدانی و چه بررسی‌های علمی انجام شده در دوره‌های گوناگون از جمله آنچه در پیمایش‌هایی نظیر؛ ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان سنجی‌ها، نگرش‌های سنجی‌های مرکز تحقیقات صداوسیما و یا مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) نشان می‌دهد، به‌رغم دگرگونی‌های عظیم فرهنگی‌ای که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رخ داده (و این دگرگونی‌ها در مقایسه با پیش از پیروزی انقلاب اسلامی کاملاً ملموس است)، فاصله وضع فرهنگی کشور تا نقاط مطلوب زیاد است، به‌نحوی که می‌توان گفت درحالی که برخی سیاست‌های غلط، نقش‌آفرینی مردم در ساحت فرهنگی را به‌شدت کاهش داده است، سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی حاکمیتی و دولتی نیز در طول چهار دهه گذشته، یا ناکافی بوده و یا به دلیل عدم بهره‌مندی از کارآمدی لازم، به نتایج مورد انتظار نرسیده است. همه این‌ها در شرایطی است که سهم هجمه فرهنگی غرب نیز موضوعی نیست که بتوان آن را در ظهور بسیاری از مسائل و مشکلات فرهنگی کشور نادیده گرفت یا این توجه که این تهاجم سال‌به‌سال گسترده‌تر و با روش‌ها و ابزارهای پیچیده‌تری تداوم یافته است. در هر حال، در طول سال‌های اخیر، موضوع ضرورت تحول اساسی در نظام فرهنگی کشور و اصلاح سیاست‌ها و ریل‌گذاری‌های غلط در این نظام، چه با رویکرد سلبی و چه با رویکرد ایجابی، یکی از بحث‌های جدی در کشور بوده و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز به کرات ضمن تأکید بر اهمیت این تحول، نه‌تنها به تشویق و تهییج مستمر مسئولان برای باز کردن مسیر تحول پرداخته‌اند، بلکه هدایت بخشی‌های مؤثری را نیز در این عرصه داشته‌اند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در جدیدترین بیانات خود، در نخستین دیدار هیئت دولت سیزدهم، با طرح ضرورت «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور» (رهبر انقلاب، ۱۴۰۰) باب تازه‌ای را در این عرصه گشوده‌اند که فراتر از اصلاح و تحول، ناظر بر یک دگرگونی همه‌جانبه و عمیق در نظام فرهنگی است. در این جهت،

مسئله کلیدی این است که اولاً بدون شکل‌گیری یک چارچوب دقیق برای بازسازی، طراحی بازسازی در مسیر صحیح و عالمانه‌ای پیش نرفته و به امری سطحی و تشریفاتی مبدل خواهد شد و ثانیاً، بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور به چارچوبی نیازمند است که ضمن وفاداری به مبانی فرهنگ اسلامی و همچنین گفتمان انقلاب اسلامی، از شفافیت و قدرت کافی برای ریل‌گذاری مناسب جهت طراحی‌های موردنیاز برای بازسازی برخوردار بوده و کارآمدی این طراحی‌ها را جهت رسیدن به تراز فرهنگی مطلوب مهیا کند. این مقاله بر اساس مسأله مورد اشاره، در قالب سیزده سرفصل عمده، ضمن تشریح معنا و مبنای بازسازی و مفروضات حاکم بر آن، مبانی، الزامات، مراحل و اولویت‌های تحقق آن را نیز به صورت فشرده مورد بحث قرار داده و در نهایت به چارچوبی روشن و کلان برای طراحی‌های گوناگون در این عرصه خواهد رسید. در رابطه‌ی با پیشینه‌ی تحقیق این که کتاب‌ها و به‌ویژه رساله‌های دکتری متعددی در جهت ساماندهی به شرایط فرهنگی کشور به‌ویژه با رویکرد مهندسی فرهنگی تألیف شده است، اما از آنجاکه این مقاله با یک‌فاصله اندک از مطالبه رهبر انقلاب، به بسترسازی برای مطالعه و طراحی در عرصه بازسازی ورود کرده است، تا حدی بدون پیشینه‌ی تحقیق تلقی می‌شود، هرچند در این مقاله به تألیفات حوزه مهندسی فرهنگی نیز نیم‌نگاهی صورت گرفته است. مبنای نظری این مقاله از جهت انسان‌شناختی، مبتنی بر حکمت متعالیه یعنی فهم و درک ظرفیت‌های کمالی انسان و چگونگی سیر تکاملی آدمی در این عالم بر مبنای جمع میان قرآن، برهان و عرفان است. پرسش اصلی این مقاله چگونگی دستیابی به چارچوب مطلوب و روش این مقاله برای پیشبرد بحث، ترکیبی از روش توصیفی و تحلیلی و روش راهبردی می‌باشد به این معنا که ابتدا شرایط فرهنگی ناظر بر نقطه مرکزی بحث از ابعاد گوناگون به‌ویژه از منظر رهبر انقلاب توصیف و سپس مورد تحلیل قرار گرفته و در ادامه تجویزاتی برای ساماندهی این بحث با رویکرد کلان راهبردی ارائه شده است. شایان ذکر است، از آنجاکه این مقاله کاملاً ناظر به عمل تهیه‌شده است، مباحث بسیار فشرده ارائه شده و بر روی پاسخ به سؤال مقاله تمرکز شده است.

۲. ادبیات پژوهش

مدل تحقیق

جدای از چارچوب نظری تحقیق که در مقدمه به آن اشاره شد، این تحقیق در یک مدل «هسته-پیرامون» به پرسش اصلی خود پاسخ داده است. تصویر هندسی زیر این مدل را تا حدی نمایان کرده است. آنچه لازم به تأکید می‌باشد، توجه به رسالت این مقاله در چارچوب دهی به بازسازی است.



این پژوهش برای پاسخ‌گویی به پرسش خود، ابتدا هسته مرکزی بازسازی را تبیین می‌نماید. سپس به ترتیب منطقی، وارد لایه‌های پیرامونی هسته مرکزی شده است. لایه پیرامونی اول، آسیب‌شناسی وضع گذشته است که بدون آن امکان ورود به مراحل بعدی وجود ندارد. در واقع، عمده اهداف بازسازی از بطن آسیب‌شناسی استخراج می‌شود. لایه دوم که قسمت اصلی تحقیق برای پاسخ به سؤال موردنظر است، ضمن معرفی اهداف و غایات بازسازی، ابتدا بازسازی را لایه‌بندی نموده و سپس مراحل بازسازی را مشخص می‌کند. در ادامه، در همین لایه، اولویت‌ها از بین ده‌ها مسأله مشخص و حتی از بین

اولویت‌ها، نقطه کانونی بازسازی بیان می‌شود. در لایه سوم، به‌رسم مطالعات راهبردی، الزامات تحقق اهداف بازسازی ارائه شده است. این الزامات عمدتاً جنبه مدیریتی دارد و تضمین‌های لازم و البته کلان برای عینیت‌بخشی به آنچه در لایه دوم پیش‌بینی شده است را به وجود آورده است.

۳. تحلیل

یکم. مفروضات حاکم بر بازسازی

هرچند در گذشته لزوم تحول در فرهنگ بارها و با ادبیات گوناگون مورد تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی قرار گرفته است، لکن شاید این نخستین بار است که ایشان ناظر بر سازمان فرهنگی انقلاب نه خود فرهنگ، از لزوم بازسازی انقلابی صحبت به میان آورده‌اند. به نظر می‌رسد سه مفروض مهم می‌تواند در طرح این موضوع توسط رهبری نقش آفرین باشد:

الف. قطع امید از ساختار فعلی

با توجه به بیانات پیشین مقام معظم رهبری و تأکید ایشان بر «آتش به اختیار» (رهبری، ۱۳۹۶) یا «لزوم تشکیل حلقه‌های میانی» (رهبری، ۱۳۹۸) در دیدارهای دانشجویی، به نظر می‌رسد احتمالاً رهبر انقلاب با ملاحظه شرایط نابسامان فرهنگی کشور و نیز به نتیجه نرسیدن بخش عمده‌ای از تدابیر اتخاذشده به منظور اصلاح و تقویت مدیریت فرهنگی، عملاً از کارایی ساختار فرهنگی کنونی قطع امید نموده و چاره کار را در بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی دیده‌اند. به بیان دیگر، ساختار کهنه (غیر روزآمد)، فربه، بروکراسی زده و نامنعطف و البته پرهزینه فعلی، جز با یک بازسازی انقلابی به کارایی مورد انتظار نخواهد رسید. البته نباید از این سخن به این جمع‌بندی رسید که انقلاب اسلامی طی ۴۲ سال گذشته هیچ توفیق فرهنگی نداشته و یا نظام فرهنگی در هیچ زمینه‌ای اثربخش نبوده است، بلکه بحث در اینجاست که به‌رغم برخی توفیقات حاصل شده در طول چهار دهه سپری‌شده، اولاً، در حال حاضر ساختار فعلی به‌هیچ‌وجه پاسخگوی نیازهای امروز و آینده نیست و ثانیاً، هم‌اکنون فاصله وضع موجود با وضع مطلوب به‌اندازه‌ای رسیده که جز با یک بازسازی انقلابی نمی‌توان شکاف مزبور را جبران کرد.

ب. شرایط کنونی انقلاب اسلامی

هرچند طی ۴۲ سال گذشته، در مقاطعی مانند شکل‌گیری دولت نهم، شرایط برای تحول در ساحت فرهنگ به وجود آمد و گام‌هایی نیز در این جهت برداشته شد، لکن شرایطی که از ابتدای سال ۱۴۰۰ با ظهور دولت سیزدهم که از آن به دولت انقلابی و مردمی تعبیر می‌شود، به وجود آمده است، نه تنها شرایط را برای تحول آفرینی، بلکه برای یک انقلاب در ساختار فرهنگی کشور مهیا کرده است؛ این در حالی است که پیش از آن، تحول در مجلس و شکل‌گیری مجلس انقلابی و همچنین هم‌زمان با روی کار آمدن دولت سیزدهم، به دست‌گیری اغلب شهرداری‌های کشور توسط نیروهای انقلابی، سرجمع از دوره فعلی یک دوره ممتاز و منحصر به فرد برای رفع عقب‌ماندگی‌های متراکم فرهنگی و مهم‌تر از آن، زمینه‌سازی برای پیشرفت جهشی در عرصه فرهنگ را به وجود آورده است.

ج. نگاه به چهل ساله دوم انقلاب

با عنایت به قدم نهادن در چله دوم انقلاب اسلامی و طرح انتظارات فرهنگی مهم در بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب اسلامی - که قله آن شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی می‌باشد (رهبری، ۱۳۹۷) - بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور امری کاملاً اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. اهمیت این موضوع زمانی روشن خواهد شد که ارتباط تنگاتنگ تمدن‌ها به‌ویژه تمدن اسلامی با فرهنگ و نیز نقش پیشرو و بی‌بدیل فرهنگ در فراهم آمدن بسترهای تمدنی به‌درستی درک شود. به تعبیر واضح‌تر، به نظر می‌رسد ادامه‌ی مسیر انقلاب در چارچوب بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری، جز با ایجاد یک انقلاب فرهنگی تازه که مقدمه واجب آن بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور است میسر نخواهد بود.

دوم. معنای بازسازی انقلابی ساختار

در این زمینه توجه به پنج مطلب مهم ضروری است:

اولاً. معنای بازسازی، مرمت و اصلاح نیست، بلکه بازسازی به مفهوم کنار گذاشتن آنچه هست و ساخت یک سازمان جدید با تفکر و معماری تازه می‌باشد. البته روشن است که در هرگونه بازسازی نقاط قوت سازمان قبلی قابل استفاده می‌باشد.

ثانیاً. احتمالاً منظور از structure صرفاً سازمان و تشکیلات فرهنگی نیست، بلکه با عنایت به مرور بیانات قبلی رهبر معظم انقلاب اسلامی، و همچنین مفهوم وسیعی که structure در ادبیات مدیریتی دارد، بازسازی ساختار می‌تواند در یک معنای وسیع،

شامل بازسازی نظام فرهنگی قلمداد شده و شامل بازسازی زیر نظامات این نظام فرهنگی مانند مبانی، رویکردها، طراحی‌ها، تشکیلات، روش‌ها، ابزارها و فناوری‌های فرهنگی نیز بشود. هرچند اگر منظور از بازسازی شامل کل نظام فرهنگی نشده و صرفاً معطوف به سازمان و تشکیلات هم باشد، بازسازی سازمان و تشکیلات مستلزم بازسازی در کل نظام فرهنگی نیز خواهد بود. در ادامه به‌طور دقیق‌تر لایه‌های این بازسازی بیان خواهد شد.

ثالثاً. رهبر معظم انقلاب اسلامی از وصف انقلابی برای بازسازی استفاده نموده‌اند. این وصف می‌تواند حداقل سه معنا را به ذهن‌ها متبادر کند: یک. در بازسازی باید انقلابی عمل کرد و احتیاط و محافظه‌کاری را کنار گذاشت؛ دو. هرگونه بازسازی می‌بایست مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی صورت گیرد. سه. بازسازی باید عالمانه و مبتنی بر اصول و قواعد عقلی صورت گیرد نه بر اساس ذوق و سلیقه. البته ظهور فرمایش ایشان در بند یک و سه می‌باشد هرچند با عنایت به بیانات گذشته بند دوم جزو الزامات هرگونه بازسازی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد.

رابعاً. احتمالاً این نکته به ذهن برخی متبادر شود که منظور از بیانات پیشین رهبر انقلاب در باب مهندسی فرهنگی همین بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور است، لکن به نظر می‌رسد در بطن مهندسی فرهنگی بازسازی ساختار نیز نهفته است، اما وقتی می‌توان مهندسی فرهنگی را مساوی بازسازی انقلابی ساختار در نظر گرفت که وصف انقلابی را به آن ضمیمه نمود. به‌بیان‌دیگر، یکی از دلایلی که تا امروز نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی در زمینه مهندسی فرهنگی محقق نشده، فقدان همین رویکرد انقلابی به مهندسی فرهنگی بوده است.

خامساً. از عنوان بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور نمی‌توان بازسازی ساختار خود فرهنگ که بعضی از آن به مهندسی فرهنگ تعبیر می‌کنند را نیز استنباط کرد، اما روشن است که هرگونه بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی زمانی با توفیق روبرو خواهد شد که خود فرهنگ نیز از جهت محتوا و شاکله موردبازسازی قرارگرفته باشد. شایان‌ذکر است، این مقاله این موضوع را مفروض خود گرفته و لذا به‌صورت تفصیلی وارد آن نمی‌شود.

سوم. آسیب‌شناسی گذشته

الف. فرهنگ

هرچند فرهنگ اسلامی ذاتاً یک فرهنگ الهی و منحصر به فرد است و می‌تواند به بهترین نحو به نیازهای بشر در هر عصری پاسخ‌گو باشد، لکن نباید از نظر دور داشت که هم‌اکنون اولاً، خلأ نظریه‌پردازی در ساحت فرهنگی اسلامی و نشان دادن همه ظرفیت‌های آن و ثانیاً، خلأ یک کار اجتهادی از جنس نظام‌سازی در عرصه فرهنگ اسلامی کاملاً مشهود است. این شاید همان چیزی است که از آن به مهندسی فرهنگی تعبیر می‌شود. (رک: پیروزمند، ۱۳۹۵) در صورت شکل‌گیری مهندسی فرهنگ می‌توان انتظار داشت که فرهنگ اسلامی بتواند به مسائل نوظهور آن‌هم با یک صورت و ادبیات تازه پاسخ‌های مناسب‌تری ارائه نماید.

ب. نظام فرهنگی

نظام فرهنگی در یک تعریف ساده عبارت است از: مجموعه‌ای از عوامل مؤثر اعم از حقیقی و حقوقی در پیاده‌سازی فرهنگ در جامعه که بر اساس اندیشه، نظم و فرایند معین کنار هم قرار گرفته و برای رسیدن به هدف پیش‌بینی‌شده با یکدیگر تعامل و هم‌افزایی دارند. (رک: ناظمی اردکانی، ۱۳۹۶) با نگاهی گذرا به وضعیت نظام فرهنگی کشور می‌توان این‌گونه قضاوت کرد که وضع نظام فرهنگی در جمهوری اسلامی به دلیل فقدان یک اندیشه صحیح و نیز مهندسی مبتنی بر آمایش فرهنگی در شرایط آشوبناکی به سر می‌برد و به‌رغم بودجه قابل‌توجهی که هر ساله توسط نظام برای آن هزینه می‌شود به خروجی‌های مورد انتظار که بتواند شرایط فرهنگی را به نفع گفتمان انقلاب تغییر دهد نمی‌رسد. چیزی که رهبر انقلاب از آن به عدم انطباق سرمایه با خروجی تعبیر نمودند. (رهبری، ۱۳۸۷)

ج. تهاجمات فرهنگی

مقام معظم رهبری اولین کسی بودند که در دوران ریاست جمهوری خودشان بحث تهاجم فرهنگی را در کشور مطرح کردند. ایشان در ابتدای رهبری یعنی سال ۱۳۶۸ نیز تصریح می‌کنند: «در حال حاضر، یک جبهه‌بندی عظیم فرهنگی که با سیاست و صنعت و پول و انواع و اقسام پشتوانه‌ها همراه است، مثل سیلی راه افتاده تا با ما بجنگد. جنگ هم جنگ نظامی نیست. بسیج عمومی هم در آن‌جا هیچ تأثیری ندارد. آثارش هم به گونه‌ای

است که تا به خود بیاییم، گرفتار شده‌ایم. مثل یک بمب شیمیایی نامحسوس و بدون سروصدا عمل می‌کند... الان در مدرسه‌ها و داخل خیابان‌ها و جبهه‌ها و حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های ما، ناگهان نشانه‌های این تهاجم تبلیغی و فرهنگی را خواهید دید. الان مقداری هم آن را می‌بینید و بعداً هم بیشتر خواهد شد. (رهبری، ۱۳۶۸) باین وجود، به‌رغم گذشت ۳۲ سال از طرح این موضوع از سوی رهبر انقلاب اسلامی، همچنان مواجهه کشور با تهاجم فرهنگی یک مواجهه همه‌جانبه و قاطع نبوده است به طوری که رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید: «ما مواجهیم با یک حمله‌ی همه‌جانبه‌ی فرهنگی و اعتقادی و سیاسی اعلام‌نشده؛ یعنی شما حالا که من دارم می‌گویم، قاعدتاً از من قبول می‌کنید لکن اطلاع ندارید از آنچه دارد اتفاق می‌افتد؛ بنده اطلاع دارم از آنچه دارد اتفاق می‌افتد؛ من دارم می‌بینم چه دارد اتفاق می‌افتد؛ لشکر فرهنگی دشمن و لشکر سیاسی دشمن با همه‌ی ابزارهایی که برایشان ممکن بوده، حمله کرده‌اند به ما برای سست کردن اعتقادات دینی ما، سست کردن اعتقادات سیاسی ما، تقویت نارضایتی‌ها در داخل کشور، جذب جوان‌ها بخصوص جوانهای فعال و اثرگذار در سطوح مختلف برای مقاصد خودشان؛ دارند کار می‌کنند. خوب، در مقابل این‌ها کارهایی دارد انجام می‌گیرد؛ بچه‌های حزب‌اللهی، مردمان مؤمن، مسئولان با تعهد کارهای خوبی دارند انجام می‌دهند لکن بیش از این‌ها باید در کشور کار بشود.» (رهبری، ۱۳۹۴) این عدم مواجهه صحیح و کارآمد، در مواردی به عدم عنایت کافی به مهندسی فرهنگ و در مواردی به مهندسی فرهنگی برمی‌گردد، ضمن آن که میزان سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی نیز در کشور با ضرورت‌هایی که تهاجم فرهنگی به وجود آورده است سازگاری لازم را نداشته و ندارد.

د. تغییرات اجتماعی

در طول سال‌های گذشته، جدای از تهاجم فرهنگی، تغییرات برق‌آسای علمی و فناوری در جهان و شکل‌گیری توأمان پروسه‌ای و پروژه‌ای نوعی از جهانی شدن (رک: گلشنی، ۱۳۸۸) تغییرات اجتماعی فراوانی را در شیوه زندگی مردم به وجود آورده است که بخشی از این تغییرات مثبت و برخی از آن منفی ارزیابی می‌شود که از تغییرات منفی آن به رواج سبک زندگی غربی در کشور نیز تعبیر می‌شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه تأکید دارند: «دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای

خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌یست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد.» (رهبری، ب، ۱۳۹۷) آنچه مسلم است، در طول سال‌های گذشته خصوصاً از دهه ۸۰ به بعد که شاید سرعت یافتن روند انتقال علم و فناوری‌های نوظهور به دنیا هستیم، تلاش‌های کشور به‌منظور مواجهه هوشمندانه و ابتکاری با تبعات این انتقال و نفوذ سبک زندگی ناشی از آن در جامعه، تلاش‌های کامیابی نبوده است، به‌طوری‌که امروز موضوع رواج سبک زندگی غربی در کشور به یک مسأله جدی تبدیل شده است.

چهارم. لایه‌های هشگانه بازسازی

با عنایت به معنای کلانی که از ساختار بالمعنی ااعم ارائه شد، و همچنین مثال‌هایی که برای تقریب ذهن زده شد، می‌توان بازسازی را متوجه نظام فرهنگی کشور کرده و باملاحظه‌ی تعاریف و زیرنظامات رایجی که برای نظام فرهنگی وجود دارد، (بنیانیان، ۱۳۹۹: ۲۲۹-۲۵۶) هشت لایه‌ی مهم زیر را از میان زیرنظام‌های نظام فرهنگی انتخاب و سپس با لحاظ ترتیب منطقی، آن‌ها را برای بازسازی ساختار فرهنگی کشور در نظر گرفت:

یک. لایه تفکر

دو. لایه گفتمان

سه. لایه رویکرد

چهار. لایه روش

پنج. لایه ابزار و تکنیک

شش. لایه نهاد و تشکیلات

هفت. لایه سیستم

هشت. لایه نیروی انسانی

پنجم. رویکردهای کلان حاکم بر بازسازی

به نظر می‌رسد، بازسازی انقلابی فرهنگ با ملاحظه سایر دیدگاه‌های رهبر انقلاب می‌تواند حداقل از سه رویکرد زیر تبعیت کند:

الف. رویکرد ابتکاری

در رویکرد ابتکاری، انقلاب اسلامی به‌عنوان یک انقلاب ذاتاً فرهنگی، درصد تغییر مبتکرانه کلیه معادلات و مناسبات فرهنگی بر اساس فرهنگ اسلام ناب است. البته ابتکاری بودن نافی فرایندی بودن تغییرات فرهنگی نیست.

ب. رویکرد تدافعی

از آنجا که رویکرد تهاجمی انقلاب اسلامی، منافع جریان طاغوت و نظام سلطه و پیاده‌نظام آن در داخل کشور را به مخاطره می‌اندازد و جبهه عظیمی را در برابر انقلاب (به‌ویژه در عرصه فرهنگی) خلق می‌کند، دفاع از مرزهای فرهنگی در برابر این هجوم جنبه حیاتی دارد.

ج. رویکرد فراگیر

رویکرد فراگیر را می‌توان به سه نوع: ملی، اسلامی و جهانی تقسیم کرد. در این رویکرد، انقلاب اسلامی در ایران درصد باز کردن چتر خود اولاً در دایره تمامی مردم ایران (با هر نوع طرز فکر و سلیقه‌ای) است. ثانیاً، در کل جهان اسلام (با مذاهب گوناگون) و ثالثاً، در کل جهان (با ادیان و مکاتب مختلف) می‌باشد. به بیان واضح‌تر، بازسازی انقلابی فرهنگ باید قابلیت‌های لازم را برای فراگیری ایجاد کند.

ششم. مبانی حاکم بر بازسازی

همان‌طور که در یکی از معانی وصف انقلابی بازسازی اشاره شد، هرگونه بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی باید مبتنی بر معارف و گفتمان انقلاب اسلامی بوده و مرز خود را با گفتمان‌های معارض به‌ویژه گفتمان لیبرال مشخص کند. بر این اساس، از میان بنیادهای فرهنگ اسلامی، ذیلاً به آن دسته از بنیادهایی که هویت‌ساز بوده و مرز میان فرهنگ اسلامی و غیر اسلامی را روشن می‌سازد - به‌عنوان بنیادهای اصلی حاکم بر بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی - اشاره خواهد شد:

الف. توحید اجتماعی

ب. رشد و تعالی انسانی (به‌عنوان مقصد)

ج. اسلام سیاسی

د. عدالت فرهنگی

هـ. علوم انسانی اسلامی (به‌مثابه مغزافزار مدیریت جامعه از جمله مدیریت فرهنگی)

و. انتظار فرج سازنده

ز. وحدت و انسجام اسلامی (اعم از ملی و مذهبی)

ح. استقلال فرهنگی و سلطه‌ستیزی

ط. مسئولیت‌پذیری دولت در برابر فرهنگ

ک. فرهنگ، روح حاکم بر همه ابعاد زیست فردی و اجتماعی

هفتم. اهداف بازسازی

برای بازسازی انقلابی فرهنگ می‌توان اهداف فراوانی را در نظر گرفت. در اینجا به اهمّ اهداف اشاره خواهد شد:

الف. تقویت بنیه‌ی اندیشه‌ای انقلاب اسلامی در ساحت فرهنگ در دوشاخه: نظری و کاربردی و تولید نظم فرهنگی موردنیاز برای نظام اسلامی

ب. شکل‌گیری یک سازمان فرهنگی چابک، عملیاتی و کارآمد برای مدیریت و راهبری فرهنگی شامل مجامع تصمیم‌ساز، تصمیم‌گیر و نیز مجامع اجرایی و عملیاتی

ج. تحول در روش‌ها، ابزارها و فناوری‌های فرهنگی و کارآمد سازی آن متناسب با شرایط و نیازهای روز

د. مشارکت دهی حداکثری مردم و تشکل‌های مردمی در ستاد و صف فرهنگی

هشتم. غایات بازسازی:

برای بازسازی انقلابی فرهنگ می‌توان مقاصد گوناگونی را در نظر گرفت که اهمّ آن عبارت است از:

الف. رواج فراگیر سبک زندگی اسلامی و به حاشیه رفتن سبک زندگی غربی

ب. کاهش جدی آسیب‌های اجتماعی در کشور و رسیدن به حد تعادل

ج. کاهش جدی تألمات روحی و روانی و ایجاد سرزندگی و نشاط در زیست فردی و اجتماعی که بخش مهمی از آن ناشی از ضعف فرهنگ اسلامی- ایرانی و شیوع سبک زندگی غربی می‌باشد.

د. گسترش و تعمیق معنویت و آخرت‌اندیشی در متن جامعه

ه. جاری کردن روح فرهنگ در رگ‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و

عینیت‌بخشی به پیشرفت همه‌جانبه با محوریت فرهنگ

و. خنثی‌سازی تهاجمات گسترده و بی‌سابقه به فرهنگ اسلامی- ایرانی

ز. بالا بردن قدرت جذب فرهنگی و کاهش شدید حجم جمعیتی طیف میانه (خاکستری)

ح. افزایش سرمایه اجتماعی و امید به آینده

ط. خروج از انفعال و به دست‌گیری ابتکار عمل در برابر تمدن غرب

ی. ایجاد بسترهای لازم برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

نهم. مراحل بازسازی

برای بازسازی می‌توان مراحل عمده زیر را در نظر گرفت. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که دو مرحله اول را می‌توان جزو مراحل بازسازی ساختار فرهنگ (یا مهندسی فرهنگ) به حساب آورد و از مراحل بازسازی ساختار فرهنگی (یا مهندسی فرهنگی) خارج نمود، اما به دلیل اهمیت این مراحل و لزوم عطف توجه به آن، این مراحل به مراحل بازسازی ساختار فرهنگی کشور اضافه گردیده تا مورد غفلت قرار نگیرد. زیرساختی:

الف. تقویت و شفاف‌سازی تفکر و نظریه فرهنگی انقلاب اسلامی در حوزه و دانشگاه

ب. دست‌یابی به مانیفست فرهنگی انقلاب و توافق نخبگانی بر روی آن

ج. شفاف‌سازی ایده مرکزی بازسازی و تبدیل آن به یک طرح جامع و قوی گفتمانی

د. ایجاد بسترهای اقناعی لازم در بین عناصر مؤثر یا ذی‌نفعان برای شکل‌گیری بازسازی به قصد کاهش تراحمات
تصمیم‌گیری و اجرا

هـ. تغییر جدی و همه‌جانبه در شاکله و ترکیب شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان ستاد عالی بازسازی

و. ایجاد یک مجمع اجرایی قدرتمند برای پیاده‌سازی طرح بازسازی با اختیارات کافی و تهیه یک برنامه زمانمند

ز. باز معماری صنایع فرهنگی کشور و جهت‌دادن به آن بر اساس منطق اقتصاد فرهنگ با محوریت بخش غیردولتی
حقوقی - تضمینی

ح. برداشتن موانع قانونی برای عملیاتی کردن طرح از طریق صدور حکم حکومتی

دهم. ضرورت تحول پارادایمیک

با عنایت به بند ز در فصل هشتم، هرگونه بازسازی‌ای نیازمند ایجاد اتمسفر جدید در فضای فرهنگی کشور است؛ بدون ایجاد چنین اتمسفری - که باید آن را محصول فرایند اقناعی کلیه ذی‌نفعان یا شکل‌گیری گفتمان تازه در نظر گرفت - بازسازی فرهنگی با مسیر ناهموار، مقاومت‌های قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی و حتی عدم توفیق روبرو خواهد شد. در این تغییر اتمسفر علاوه بر متولیان امور فرهنگی، مخاطبان فرهنگی نیز با تغییرات مبنایی نسبت به رویکردشان به فرهنگ و امور فرهنگی مواجه خواهند شد. با عنایت به مفهوم پارادایم در نظریه کوهن، این تغییر اتمسفر را می‌توان نوعی تحول پارادایمیک توصیف نمود که توجیه‌کننده ضرورت شکل‌گیری یک انقلاب در این عرصه می‌باشد. (رک: حیدری، ۱۳۹۰)

یازدهم. اولویت‌های اصلی در بازسازی

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور با ملاحظات زیرنظامات نظام فرهنگی کشور شامل موارد متعددی است که می‌توان آن را به بالای پانزده مورد رساند. از آنجا ورود به همه این موارد در زمان واحد نه ممکن - و نه ناظر به اثربخشی و نیاز مخاطب - هوشمندانه تلقی می‌شود، لاجرم باید به سمت اولویت‌گذاری عرصه‌ها و موضوعات دست زد. در این جهت، مهم‌ترین مسأله، دست‌یابی به ملاک یا ملاک‌های قابل قبول برای اولویت‌بندی است. در آنچه ذیلاً به‌عنوان اولویت‌ها بیان می‌شود، ملاک اصلی، تجارب جهانی در زمینه اثربخشی بیشتر برخی عرصه‌ها نسبت به سایر عرصه‌ها و نیز نیازمندی‌های مخاطبان نظام فرهنگی کشور است که بررسی‌های پراکنده میدانی آن را به‌صورت تقریبی مشخص می‌کند.

الف. عرصه‌های فرهنگی (مبتنی بر اثرگذارترین‌ها از جهت عمق)

۱. هنر

۲. ادبیات داستانی

۳. فضای مجازی و رسانه

۴. صنایع فرهنگی

ب. موضوعات فرهنگی (بر اساس تحلیل شرایط کشور)

۱. سبک زندگی
۲. فرهنگ عمومی
۳. تقویت هویت ملی - دینی
۴. افزایش سرمایه اجتماعی
۵. درک مشترک عمیق منافع و مصالح ملی
۶. تقویت خودباوری و اعتماد به نفس ملی
۷. ارتقاء امید به آینده

دوازدهم. نقطه کانونی در بازسازی

از آنجا که اولاً جمهوری اسلامی بر اساس دکترین مترقی مردم‌سالاری دینی شکل گرفته است و بر اساس این دکترین، مشارکت عمومی در همه عرصه‌ها، من جمله عرصه فرهنگی یک اصل حیاتی است (رهبری، ب، ۱۳۹۸) ثانیاً. از آنجا که بدون حضور و مشارکت حداکثری مردم، امکان بسط و یا دفاع از مرزهای فرهنگی وجود ندارد و تجربه ۴۲ سال گذشته نیز این را اثبات کرده است؛ رهبر انقلاب در دیدار جامع مردم کرمانشاه در این زمینه تصریح می‌کنند: «ما وقتی تجربه‌ی سی‌ودو ساله‌ی انقلاب را بازخوانی می‌کنیم، ژرف‌ ژرفائی حکمت امام و تدبیر امام را درمی‌یابیم؛ چرا؟ چون هر نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی، با این آرمان‌های بلند، با این ضدیت و مخالفتی که با استکبار و بی‌عدالتی بین‌المللی دارد، با ایستادگی‌ای که در مقابل شیاطین قدرت در سرتاسر جهان دارد، دشمن‌های گردن کلفتی دارد. چالش ایجاد می‌کنند، مشکل به وجود می‌آورند. اگر این چنین نظامی بخواهد بماند، باید یک نیرو و ظرفیت عظیمی از او نگهداری کند، تا بتواند ایستادگی کند، تا بتواند پیشرفت کند و متوقف نماند. در انقلاب اسلامی، با تدبیر امام - که از متن اسلام گرفته شده بود - این نیروی نگهدارنده عبارت است از اراده‌ی مردم، عزم مردم، حضور مردم. لذا نظام اسلامی چالش‌ها را درنور دید و بر چالش‌ها پیروز شد. به اطمینان کامل می‌شود گفت که جمهوری اسلامی تا امروز بر همه‌ی چالش‌های سخت و نرم که در مقابل او قرار گرفت، پیروز شده است و به عون الهی، به فضل الهی، به هدایت الهی، بر هر چالش دیگری هم در آینده پیروز خواهد شد... هر جایی که مسئولین کشور توانائی‌های مردم را شناختند و به کار گرفتند، ما موفق

شدیم. هر جایی که ناکامی هست، به خاطر این است که ما نتوانستیم حضور مردم را در آن عرصه تأمین کنیم.» (رهبری، ۱۳۹۰) و ثالثاً. از آنجا که امروز قابلیت‌های مهم و کارآمدی در تشکل‌های مردمی به وجود آمده است، به طوری که در حال حاضر بر اساس آمارهای تقریبی حدود سه هزار تشکل مردمی انقلاب در عرصه‌ها و موضوعات فرهنگی گوناگون راه‌اندازی شده و در حال فعالیت می‌باشند. رهبر انقلاب درباره این جبهه و امکان اتکاء به آن یادآور می‌شوند: «در باب مسائل فرهنگی عرض بکنم. می‌دانید که مسائل فرهنگی به نظر من بسیار مهم است؛ بنده به مسائل فرهنگی اهمیت بسیار زیادی می‌دهم و آنچه امروز می‌خواهم عرض بکنم [این است که] این مجموعه‌های خودجوش مردمی که کار فرهنگی می‌کنند - که الان در سرتاسر کشور هزاران مجموعه‌ی خودجوش مردمی هست که دارند خودشان کار می‌کنند، خودشان فکر می‌کنند، خودشان تلاش می‌کنند و کار فرهنگی می‌کنند - روزبه‌روز باید توسعه پیدا کنند؛ دستگاه‌های دولتی باید به این‌ها کمک کنند. دستگاه‌های دولتی، آن‌هایی که مربوط به فرهنگ‌اند، به جای این که آغوش خود را به روی کسانی که نه اسلام را قبول دارند، نه انقلاب را، نه نظام اسلامی را، نه ارزش‌های اسلامی را [باز کنند]، آغوش خود را به روی بچه‌مسلمان‌ها، به روی جوان‌های مؤمن، به روی بچه‌های انقلابی، به روی بچه‌های حزب‌اللهی باز کنند؛ این‌ها می‌توانند کار کنند و دارند کار می‌کنند؛ کارهای فرهنگی با ارزشی دارد انجام می‌گیرد.» (رهبری، ۱۳۹۵) با این وصف، می‌توان گفت که نقطه کانونی در بازسازی انقلابی فرهنگی بسط و تعمیق جبهه مردمی در حوزه فرهنگ می‌باشد. معنای کانونی بودن این نقطه این است که: نه تنها باید عمده صف فرهنگی از بخش‌های حاکمیتی و دولتی به بخش مردمی منتقل شود بلکه بخش مهم و کلیدی ستاد فرهنگی کشور را هم باید تحت هدایت رهبر معظم انقلاب اسلامی به جبهه مردمی منتقل نمود. لازم به یادآوری است، برای تحقق این امر، حذف یا ادغام برخی دستگاه‌های حاکمیتی و دولتی و تغییر در اهداف و مأموریت آن‌ها یا تغییر در منطق بودجه فرهنگی کشور اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

سیزدهم. الزامات بازسازی

به‌طور طبیعی بازسازی الزاماتی دارد که اگر به آن‌ها در طراحی‌های گوناگون توجه کافی صورت نگیرد، زمینه بازسازی در مقام عمل از میان خواهد رفت. آنچه در ادامه

به‌عنوان الزامات بازسازی ذکر شده، اهمّ مواردی است که هم از متن بیانات رهبر انقلاب اسلامی و همچنین در مصاحبه‌های نگارنده با شماری از نخبگان فرهنگی به‌دست آمده است. ضمناً از آنجا که الزامات در مواردی جنبه درون فرهنگی و در مواردی جنبه بُرون فرهنگی دارد، الزامات به دو بخش درونی و بیرونی تقسیم شده است:

الزامات درونی:

- الف. بهره‌گیری حداکثری از نیروهای جوانِ نخبه و انقلابی
- ب. تأمین نیروی انسانی انقلابی و زبده
- ج. ایجاد خطرپذیری لازم در این حرکت
- د. پرهیز از اقدامات سطحی، صوری و تشریفاتی
- هـ. اجتناب از شتاب‌زدگی و تهور
- و. جایگزین کردن مدیریت فرهنگی علمی به‌جای مدیریت فرهنگی ذوقی و سلیقه‌ای

- ز. تسلط کامل بر شرایط فرهنگی کشور شامل حداقل: یک. نگرش سنجی‌های دقیق به همراه روند پژوهی، دو. آمایش فرهنگی کشور و سه. تهیه اطلس واحدهای فرهنگی
 - ح. وجود یک آینده‌نگری عالمانه
 - ط. همراه سازی حداکثری نخبگان و عناصر مؤثر (در حد امکان)
 - ی. فعال‌سازی ظرفیت‌های مثبت آداب و رسوم و سنت‌های ملی در جهت دستیابی به اهداف و پرهیز از تقابل میان ایران و اسلام
- الزامات بیرونی:

- ک. اصلاح قوانین و مقررات ناکارآمد و متناقض
- ل. تغییر در بروکراسی حاکم بر امور فرهنگی با هدف کوتاه و روان‌سازی روندها
- م. هماهنگی و هم‌افزایی حداکثری میان عناصر مدیریتی
- ن. تأمین بودجه و ظرفیت‌های سخت‌افزاری موردنیاز

۴. نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه بیان شد، در شرایط فعلی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور به‌منظور تداوم بخشی به حیات انقلاب اسلامی و همچنین رسیدن به اهداف گام دوم و در رأس

همه، شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی - به مثابه قله گام دوم انقلاب - اجتناب‌ناپذیر است و مهم این است که با ظهور عصر سیاسی و مدیریتی جدید امکان این بازسازی از هر زمان دیگر مهیاتر است. مسلماً هرگونه طرحی برای بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور باید بدون احتیاط و محافظه‌کاری و توأم با خطرپذیری لازم باشد و در صورت استمرار برخی ملاحظات در روند بازسازی، عملاً مقاومت‌های درون‌زا و برون‌زا به سدی مهم در برابر بازسازی بدل خواهد شد. علاوه بر این، هرگونه بازسازی‌ای که از ابتدای روشن و مستحکمی با مبانی فرهنگ اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی نداشته باشد نسبتی با آنچه رهبر معظم انقلاب اسلامی باب آن را گشوده‌اند نمی‌تواند داشته باشد و لذا تمامی طرح‌های بازسازی می‌بایست مرز خود را با گفتمان‌های رقیب آشکار کنند. نباید از نظر دور داشت که در تمامی انواع بازسازی، بدون فراهم نمودن بسترهای لازم ضروری است و یکی از مهم‌ترین این بسترها، تغییر اتمسفر مدیریت فرهنگی یا تغییر پارادایمیک در حوزه نظام فرهنگی قلمداد می‌شود. در تغییر پارادایمیک، رسوبات فکری‌ای که مانع از اصلاح مسیر می‌شود از بین رفته و تفکر پیشروی جای تفکرات کهنه و محافظه‌کارانه پیشین را خواهد گرفت. علاوه بر این، روشن است که مردم و تشکل‌های مردمی نقش اصلی را در بازسازی دارند تا جایی که باید گفت نقطه کانونی در بازسازی انقلابی، تفکیک مرزهای نقش‌آفرینی دولت و مردم و سپس واگذاری بخش اصلی ستاد و صف فرهنگی به بخش‌های مردمی است. در واقع، آن عنصری که می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را در عرصه فرهنگ به موفقیت‌های چشم‌گیر رهنمون کند، ریل‌گذاری لازم برای مشارکت وسیع و قدرتمند مردم و تشکل‌های مردمی در میدان فرهنگ می‌باشد.

منابع

- امام خمینی، ۲۳ بهمن ۱۳۵۷، صحیفه نور، جلد ۵، ص ۷۵
- بنیانیان، حسن و رضا غلامی و الهیار صحرایی (۱۳۹۹)، فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۱۶، صص ۲۲۹-۲۵۶
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۵)، مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی، تهران، انتشارات تمدن نوین اسلامی
- حیدری، غلامحسین (۱۳۹۰)، قیاس ناپذیری پارادایم‌های علمی، تهران، نشر نی
- گلشنی، مهدی و رضا غلامی (۱۳۸۸)، گزارش پژوهش ملی ایران و جهانی شدن، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- مقام معظم رهبری، ۶ شهریور ۱۴۰۰، در دیدار هیات دولت سیزدهم
- مقام معظم رهبری، ۱ خرداد ۱۳۹۸، در دیدار دانشجویان
- مقام معظم رهبری، ۱ فروردین ۱۳۹۵، در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی
- مقام معظم رهبری، ۱۳ مهر ۱۳۹۴، در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای استان چهارمحال و بختیاری
- مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷، در دیدار مسئولین دستگاه‌های فرهنگی مرتبط با مقام معظم رهبری
- مقام معظم رهبری، ۱۷ خرداد ۱۳۹۶، در دیدار دانشجویان
- مقام معظم رهبری، ۲۰ مهر ۱۳۹۰، در دیدار جامع مردم کرمانشاه
- مقام معظم رهبری، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
- مقام معظم رهبری، ۷ آذر ۱۳۶۸، در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضیای حوزه علمیه قم
- مقام معظم رهبری، ۱۶ بهمن ۱۳۹۸، در دیدار اقشار مختلف مردم
- مقام معظم رهبری، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
- ناظمی اردکانی، مهدی و حمید شریفی زارچی و سیده امینه طباطبایی (۱۳۹۶)، نظام فرهنگی کارآمد، تهران، انتشارات آثار فکر